

پیکره:

مقاله حاضر کوششی است در زمینه باستان‌شناسی دشت درگز که توسط دو باستان‌شناس اروپایی در سال ۱۳۵۶ انجام شده است. موقعیت مناسب اقلیمی و حاصل خیزی دشت درگز زمینه حضور و استقرار گروهها و جوامع انسانی را از دیرباز فراهم آورده است. نتیجه این حضور و استقرار رونق فرهنگی - اقتصادی و تجاری منطقه را طی برهه‌هایی در پی داشته است.

یکی از مهم‌ترین حلقه‌های ارتباطی بین فرهنگهای پیش از تاریخ فلات مرکزی ایران را با دشت خاوران و ماوراءالنهر و به با فرهنگ و تمدن دره سند می‌توان در محوطه‌های باستانی این دشت جستجو کرد.

فیلیپ. ال. کپل و دنیس. ال. هسل

ترجمه: قدیر افروند
سازمان میراث فرهنگی

بررسی باستان‌شناختی دشت درگز*

نویسندگان این مقاله از ۲۷ اوت تا ۸ سپتامبر و ۴ تا ۱۰ نوامبر ۱۹۷۸ م، بررسی و بازدید کوتاهی از دشت درگز واقع در شمال شرقی خراسان به عمل آوردند. هدف از این بازدیدهای باستان‌شناسانه مقدماتی، شناسایی مکانهای باستانی شاخص دشت و تهیه نقشه جامع و تاریخ‌گذاری نسبی آنها و معرفی مکانهای استقرار عمده «پیش از تاریخی» بود که مواد فرهنگی و بقایای آثار به دست آمده از سطح تپه‌ها قابل مقایسه با آثار عصر فرانسونگی (Aeneolithic)** و دوره مفرغ جمهوری ترکمنستان می‌باشد.

* از استاد گرانقدر آقای ناصر نوروززاده چگینی که این‌جانب را در ترجمه این مقاله یاری دادند. سپاسگزارم.

** این دوره زمانی از اواخر عصر نوسنگی تا دوران مفرغ را شامل می‌شود (رک Webster's New Callegiate Dictionary, 1976) و اصطلاح «فرانسونگی» را با نظر کارشناسان، معادل آن گزیده‌ام.

= عصر مس و سنگ chalcolytic

این کار با موافقت و مساعدت بی دریغ مرکز پژوهش‌های باستان‌شناسی وزارت فرهنگ و هنر و موزه ایران باستان* انجام شد.^۱

دشت درگز (دژ درختان گز) از شرق به غرب به طول ۵۰ تا ۵۵ کیلومتر و از شمال به جنوب ۳۰ تا ۳۵ کیلومتر گسترده شده و به وسیله سلسله ارتفاعات کوتاه منتهی به زرتین کوه، از کمر بند کوهپایه‌ای کپه داغ یا اتک و پهنه بیابان قره قوم جدا می‌شود. جاذبه خاکی نسبتاً مناسبی به طول تقریبی ۲۵ کیلومتر از میان دو گردنه که به تدریج از ارتفاع آنها کاسته می‌شود و از نظر پوشش گیاهی فقیرتر می‌شود، گذشته و درگز (محمدآباد سابق) را با شهر مرزی لطف آباد ارتباط می‌دهد. بدین ترتیب این دشت در شمال دامنه‌های اصلی کپه‌داغ قرار گرفته و مشرف بر منطقه کوهپایه‌ای جنوب ترکمنستان است. رودخانه دائمی درونگر، آن را مشروب می‌کند و عمدتاً منزلگاه کردهایی است که در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم، شاه‌عباس صفوی آنان را در این ناحیه نامن، اسکان داد.^۲ علی‌رغم ناامنی و قتل و غارت و تهاجمات آلامانهای ترکمن (alamans) در نیمه آخر قرن نوزدهم، دشت حاصلخیز و پررونق است. امروزه این امتیاز را با درختستانها و باغات میوه حفظ می‌کند. در مقیاس وسیعی نیز خرزبه، گندم، برنج و بیشتر از همه پنبه کشت می‌شود.^۳

* به ترتیب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موزه ملی ایران حال حاضر (م).

۱- این بازدید مقدماتی توسط آقای هسکل تدارک دیده شد، و A. Alonzo, k. pliskin و G. summers اوایل نوامبر آقای کهل را در این سفر همراهی کردند. مساعدت ایشان در جمع‌آوری آثار سطحی و تهیه نقشه یاریم‌تپه (تصویر ۳) قابل تقدیر است. نقشه نهایی یاریم‌تپه به وسیله ام. انگرهام ترسیم شد. طرحهای قلمی سفال (تصاویر ۴ و ۵) توسط A. Alonzo و D. Menyuk, J. saad تهیه شد.
در این‌جا ما یلیم از دکتر باقرزاده و آقای کابلی از مرکز پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، به خاطر کمک و مساعدت سخاوتمندانه ایشان، به گرمی سپاسگزاری کنیم. هزینه این بازدید از طریق «بودجه مطالعاتی دانشگاه یوتا» تأمین شد.

۲- ر.ک. N. curzon, *Persia and the Persian Question* (1892) pp. 97-9.

ترجمه شده به «ایران و مسأله ایران» - (م) این دشت در قرن ۱۹ به وسیله مسافران و سیاحان بریتانیایی متعدد، مورد بازدید قرار گرفته است. بهترین توصیف جغرافیایی به وسیله کاپتان نی‌پیر G. C. Napier در *Extracts form a Diary of... in the country of the turkomans* (1977) همچنین سراج. راولینسون H. Rawlinson sir به‌طور مفصل در *The Road to marv* (جاده مرو) فصل ۱۰ همان منبع، از اهمیت راهبردی دشت در پیشروی روسیه به مرو، سخن رانده است.
۳- این فلات از نظر موقعیت جغرافیایی در عرض دامنه‌های اصلی ارتفاعات کپه داغ، در ارتفاع حدود

منطقه فعلی درگز را به سه حوزه جغرافیایی می‌توان تقسیم کرد: اول، بخش جنوبی یا مرتفع دشت که از گردنه مهم الله اکبر (حدود ۱۴۰۰ متر ارتفاع) در امتداد شمالی «کپه داغ» شروع می‌شود و به تپه‌های کم ارتفاعی که به صورت دو - سه رشته موازی در جهت شمالی - جنوبی در مرکز دشت گسترده شده است، منتهی می‌شود. همچون گذشته، تراکم جمعیت این حوزه، در جنوب نزدیک روستای فعلی چاپشلو متمرکز شده است. در این حوزه هشت تپه (DG ۱۸-۲۱ و DG ۲۴-۲۷) در برگیرنده عصر فرانسوسنگی - احتمالاً محوطه ۱۹ کهن تر - به ثبت رسید. چهار محوطه دیگر (DG ۱۴-۱۷) نیز در تپه‌هایی نزدیک روستای سدرآباد در محور شمال غربی آن مشخص شد (رک. تصویر ۱). تی‌پیر^۱ یادآور می‌شود که قسمتی از رودخانه کبکان که سرانجام از ایبورد واقع در منطقه کوهپایه‌ای به سمت شمال شرقی جریان می‌یابد، در مسیرش روستاهای این بخش از دشت را مشروب می‌کند. علی‌رغم این که نقشه‌های متأخر جنگی بریتانیا و عکسهای ماهواره‌ای، رودخانه کوچکی را نشان می‌دهند که از جنوب و از میان این ارتفاعات جاری است و در نزدیکی درگز به رودخانه درونگر می‌پیوندد، این مطلب بعینه بر ما ثابت نشد.

پرجمعیت‌ترین بخش دشت درگز، بلافاصله از شمال تپه‌های کم ارتفاعی که چاپشلو را از شهر درگز جدا می‌کند، شروع می‌شود. این بخش از شمال به جنوب در طول شاخه اصلی رودخانه درونگر - که به طول تقریبی ۶۰ کیلومتر، از جنوب غربی درگز به سمت شمال در جریان است - گسترده شده است. در این بخش نیز محوطه‌هایی شناسایی شدند. در آن سوی نوخندان (DG ۲۸) که دره بازتر می‌شود، روستاها پراکنده‌تر می‌گردد و مراتع وسیعی به چشم می‌خورد. تردد در مسیر عشق‌آباد به قوچان که در اواخر قرن نوزدهم تنها از حاشیه شمال غربی دشت درگز امکان‌پذیر بود و نیز راههای مواصلاتی قدیمی درگز، از غرب به شیروان و از جنوب به قوچان، در ابتدا پیش از عبور

^۱ ۴۵۰ متر از سطح دریا واقع است. بخش مرکزی دشت از آب و هوایی بسیار گرم برخوردار است. با این وجود اهمیت چندانی ندارد، به‌عنوان نمونه سوز و سرمای فوق‌العاده زمستانی، در اوایل نوامبر ۱۹۷۸ باغات را دچار سرمازدگی کرد به طوری که خسارت و ضررهایی به محصولات کتان که تازه شروع به برداشت آنها کرده بودند، وارد آورد.

۱- تی‌پیر، همان، ص ۱۲۹. همچنین رجوع کنید به نقشه‌های خراسان در همین مقاله.

از حوزه آبریز درّه اترک، در مسیری برخلاف جریان رودخانه درونگر صورت می‌گرفته است.

سومین بخش، شامل دو درّه باریک است که به موازات رودخانه درونگر، به همان صورت که از زرین کوه گذشته و در بیابان قرقوم در شمال جاری می‌شود، کشیده شده است. این درّه‌ها ابتدا در جهت غربی گسترش می‌یابند و سپس از میان زمینهای خشک و لم‌یزرع رو به سمت شمال شرقی گسترش می‌یابند. سه تپه کوچک (این تپه‌ها بررسی نشده است) نزدیک روستای گلخندان در دهانه دومین درّه طویل قرار دارد. تپه کوچک و متأخرتر، مراد، به ارتفاع حدود ۶ متر، درست در شمال لطف‌آباد روی خط مرزی قرار گرفته است. چند محوطه بزرگتر، آبادی ارتیق (Artyk) قسمتی از راه آهن فرامرزی خزر در آن سوی مرز مشاهده می‌شود. اگر چه این ناحیه در آن سوی درگز، به علت ترس از تهاجم ترکمنها از پراکندگی جمعیتی کمی برخوردار بوده، از این نظر که هیچ حصار یا مانع جغرافیایی مهمی تا کمر بند کوهپایه‌ای جنوب ترکمنستان به چشم نمی‌خورد، قابل توجه است. به عبارت دیگر دشت درگز به صورت پهنه کوهپایه‌ای وسیع و حاصلخیزی است که در دامنه شمالی «کپه داغ»، بدون هیچ مانع و حائل خاصی تا کمر بند کوهپایه‌ای ترکمنستان (جنوبی) گسترده شده است. این منطقه یا همان «اتک» از نظر تاریخی نیز می‌تواند به سه بخش تقسیم شود: ۱- اتک کلات یا بخش شرقی که از آب خور (khur) - رودخانه‌ای که منطقه چهچه را مشروب می‌کند - تا دوشک (Dushak) در غرب گسترده شده است. بخش مرکزی یا اتک درگز از آب ارجنگان و ناحیه قهقهه تا «گاورز» (Gawars) در غرب و اتک غربی یا اتک آخال که از آنو (Anau) تا قزل‌اروت (Kyzyl Arwat) را دربرمی‌گیرد. درگز یا بخش مرکزی، به صورت دشتی وسیع و مرتفع به شکل متوازی الاضلاعی انتهای غربی و شرقی دشت را به ارتیق (Artyk) قهقهه که تعدادی از بزرگترین تپه‌های پیش از تاریخی آسیای میانه از جمله تپه نمازگاه (حد اکثر وسعت حدود ۷۰ هکتار) و قر تپه (حدود ۱۵ هکتار) را دربر می‌گیرد، متصل می‌کند. باید متذکر شد، طبقات فرهنگی پایین‌تر محوطه‌های باستانی بزرگ در این بخش مرکزی

۱- نی‌پیر، همان منبع ص ۹-۱۳۸، همچنین رک.

زیر چندین متر بقایای آبرفتی دفن شده است.^۱ ظاهراً در گذشته، این ناحیه نسبت به امروز - حتی با وجود آبراه قرقوم - از آب بیشتری برخوردار بوده است.

این ملاحظات روشن می‌کند که فرهنگ مادی «زیست گاههای» دشت درگز می‌بایست ارتباط خیلی نزدیکی با ترکمنستان جنوبی داشته باشند. فعالیتهای علمی باستان‌شناسی در جمهوری ترکمنستان امروزی با حفاریات امریکاییها تحت سرپرستی R. pumpelly در ۱۹۰۴ در تپه‌های جنوبی و شمالی آنو آغاز شد.^۲ با این وجود، پژوهشهای منظم در مقیاس وسیعتر، تنها با تشکیل هیأت باستان‌شناسی ترکمنستان جنوبی (Y.U.T.A.K.E) بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد. نخستین کار باستان‌شناسان جمهوری اصلاح توالی (فرهنگی - م) آنو و توسعه نسبی حدود زیرین و زبرین (در جدول گاه‌نگاری - م) آن به دوران نوسنگی و عصر آهن بود.^۳

حفاریات انجام شده در شمال شرقی ایران در دشت گرگان و تپه حصار، می‌تواند

۱- ترانسه (گمانه) جنوبی تپه نمازگاه (ش. ۲) که در ۱۹۵۲ توسط بی. ای. کوفتین B. A. Kufitin حفاری شد، تا عمق ۱۱/۵ متری زیر سطح دشت ادامه یافت و بعد از ۳ متر بقایای نمازگاه ۴ و ۸/۵ متر از بقایای نمازگاه ۳ به خاک بکر رسید. کوفتین در آخرین گزارش کار میدانی‌اش، از مفاهیم ضمنی این تپه تماشایی در سطح امروزی دشت، بحث کرده است. رک.

- polyvevoi otchet: VII. P. 276

تصاویر ماهواره‌ای نیز رسوب‌گذاری قابل ملاحظه‌ای را که در اتک مرکزی اتفاق افتاده تأیید می‌کنند. بقایای رسوب یا takyr حمل شده به وسیله رودخانه درونگر، کمربند عرضی از ایبورد و قهقهه در جهت غرب تا آنسوی آرتیق کشیده است.

۲- رک.

R. Pumpelly ... I, II (1905, 1908)

۳- کاوشهای باستان‌شناختی در ترکمنستان جنوبی، در طول سالهای جنگ داخلی نیز ادامه یافت. در دهه ۱۹۲۰ بوکینیچ D.D. Bukinich یک مهندس آبیاری، نمازگاه تپه و محوطه‌های باستانی دیگری را کشف کرد. در دهه ۱۹۳۰ تحقیقات پیش از تاریخی در ترکمنستان جنوبی عمدتاً به وسیله ماروشچنکو (A.A. Marushchenko) تداوم یافت. کارشهای دیگری با شکل‌گیری choresmian archaeological "The expedition" در ۱۹۳۷ زیر نظر اس. پی. تولستف (S.P. Tolstov) که اکنون ام. ا. اینینا M. A. Itina سرپرستی آنرا عهده‌دار است به مرحله عمل درآمدند. توالی (فرهنگی) sequence پیش از تاریخ ترکمنستان جنوبی توسط بی. ای. کوفتین در ۱۹۵۲ از طریق گمانه زنی‌های V. M. Masson در Trudi (or works) of Yu. T. A. بر اساس تحقیقات لایه‌نگاری اخیر در آلتین تپه. اصلاحات دیگری در توالی فرهنگی فرانسوئگی (Aeneolithic) فوق داده شد که وی ام. ماسون Masson در "Altyn dlepe V epokhy ... pp. 164-88" ارائه داده است.

حتی تا دوره نوسنگی جیتون Djeitun و افقهای فرهنگی جمهوری ترکمنستان ارتباط داده شود.^۱ قابل توجه این که تحقیقات اخیر پرفسور ار. اینورنیزی R. Invernizzi هیأتی از دانشگاه تورین در درّه اترک علیا - بین قوچان و شیروان - حلقه‌های ارتباطی بی‌چون و چرای خراسان با ترکمنستان جنوبی را، از دوران نوسنگی تا دوره آهن قدیم، تأیید کرده است.^۲ اصولاً تحقیقات ایشان نشان داد که در دوران پیش از تاریخ، درّه اترک علیا ارتباط بسیار نزدیکی با منطقه کوهپایه‌ای ترکمنستان جنوبی و سرزمینهای پست شرق دلتای مرغاب و دشت بلخ (باکتریا) نسبت به فلات ایران یا دشتهای گرگان و مصر (واقع در ترکمنستان - م) داشته است. یعنی تشابه زیادی بین سفالهای به‌دست آمده از این درّه و ترکمنستان جنوبی دیده می‌شود، در حالی که در محوطه‌های هم عصر آنها در جنوب و غرب، این شباهتها معدودتر و کمتر می‌شوند.

ما، در دشت درگز نیز چنین انتظاری داشتیم. مواد باستان‌شناختی جمع‌آوری شده از محمدآباد - درگز کنونی - ابتدا به‌وسیله هنری فرانکفورت H. Frankfort در ۱۹۲۴ گزارش شد که در آن نقش سفالها را با سفالهای آنو مقایسه و حضور یک صنعت مشترک سفالگری را عنوان کرده بود.^۳ در ۱۹۶۶ دکتر عزت‌ا... نگهبان طی سفری به

۱- سفالهای مشابه جیتون (سفالهای جیتون) از لایه‌های تحتانی تورنگ‌تپه (رک). (J. Dechayes "Ceramique ... PL. Ia و از یاریم‌تپه در نزدیکی گنبد قابوس (رک). V. Crawford ... P.P 272-3 به‌دست آمده بودند. اخیراً افقهای جیتون (و احتمالاً قبل از جیتون) در لایه‌های تحتانی تپه سنگ چخماق در حدود ۸ کیلومتری شمال شرق شاهرود شناسایی شده‌اند. یک تاریخ رادیوکربنی در حدود ۷۸۰۰ سال قبل از حال از لایه سوم (از مجموع ۵ لایه) در تپه غربی، گزارش شده است: رک. S. Masuda" PP.63-70

۲- مؤلفان مایلند مراتب قدردانی خود را از باستان‌شناسان دانشگاه تورین به‌ویژه از R. Ricciardi و R. Biscione از بابت در اختیار قراردادن مجموعه‌هایی که هنوز تماماً منتشر نشده، اظهار نمایند. مساعدت ایشان در شناسایی مواد فرهنگی هخامنشی و ساسانی نیز بسیار جای سپاس دارد. رک. R. Biscione "prehistoric..... in Iran (Tehran, in press)

یافته‌های پیش از تاریخی این کاوش در مقاله:

"Prehisoric Investigations in Iranian Khorassan"

نوسط R. Biscione و p. kohl گزارش شده که در مجموعه‌ای به‌همت p. khol تحت عنوان "Early state Discoveries" ارائه خواهد شد.

- H. Frankfort, Early ..., pl. VI, 2.

درگز، قطعاتی از سفال یاریم‌تپه - بزرگترین محوطه پیش از تاریخی دشت - جمع‌آوری کرد. اما گزارش این سفر منتشر نشد و تحقیقات منظم نیز صورت نگرفت.^۱ به هر حال معلوم شد در دشت درگز محوطه‌های پیش از تاریخی وجود دارد که دارای موادی (فرهنگی - م) مشابه آثار به‌دست آمده از سکونتگاه‌های مرتبط با نمازگاه تپه در ترکمنستان جنوبی و محوطه‌هایی در درّه اترک علیا می‌باشند. بر این اساس، هدف ما ثبت و تاریخ‌گذاری نسبی محوطه‌ها و یا تپه‌های بزرگ دشت، خاصه ترسیم و تعیین موقعیت سکونتگاه‌های پیش از تاریخی بود.

در اولین بازدید ۴۰ محوطه شناسایی شد که از ۳۱ محوطه سفال جمع‌آوری شده و مورد مطالعه اجمالی قرار گرفت. (نقشه کوچک در شکل ۱ و جدول). در این بررسی مقدماتی از اطلاعات ساکنان محلی نیز بهره برده شد. بدون شک، به دلیل ضیق وقت و کمی تعداد نفرات هیأت در عین حالی که تمام دشت را پوشش دادیم، موفق به شناسایی محوطه‌های کوچک‌تر و دورافتاده نشدیم. همه محوطه‌ها دقیقاً روی نقشه‌های ۱:۱۰۰۰ بخش نقشه‌کشی مرکز پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران مشخص و نقطه‌یابی شد. قطعات سفال به شیوه غیرسیستماتیک جمع‌آوری، عکس‌برداری و طراحی می‌شد. این محوطه‌ها به‌طور نسبی براساس قدمت و وسعت (size) طبقه‌بندی شد. اما در مورد شناخت کامل و جامع وضعیت سکونتگاه‌ها و محدوده مورد استفاده در این منطقه باید در انتظار کارهای گسترده‌تر دیگری بود.^۲

بعضی از این سفال‌های به‌دست آمده از محمدآباد - که بعداً به موزه بریتانیا منتقل شدند و احتمالاً اکنون در آن مجموعه نگهداری می‌شوند - مجدداً به وسیله لویی واندنبرگ در:

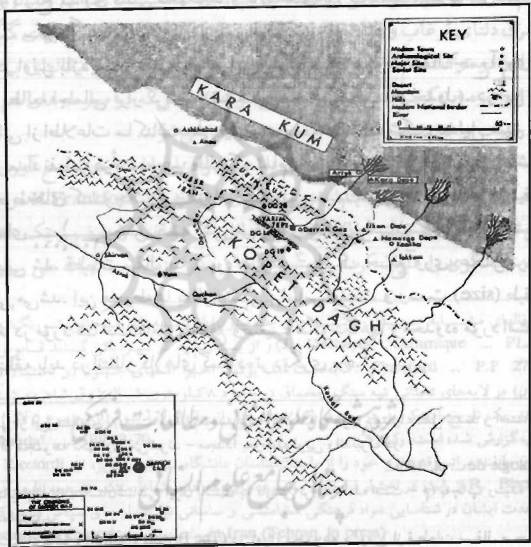
Archeologie de ... pl. 15 a.

(این کتاب با عنوان باستان‌شناسی ایران باستان به فارسی ترجمه شده است - م) به چاپ رسیده و منتشر شده است.

۱- مؤسسه بریتانیا (The British Institute) در تهران مجموعه سومی از قطعات سفال محمدآباد - احتمالاً یاریم‌تپه - دارد. آقای د. استروناخ با مهربانی به ما اجازه داد این آثار را مورد بررسی قرار داده و عکس‌برداری کنیم.

۲- شناسایی مواد فرهنگی ناشی از اسکان‌های سخامنشی و اواخر آهن - اوایل هزاره اول مسائل و مشکلاتی به‌همراه داشت. این مشکل تا اندازه‌ای برای دوران تاریخی برطرف شد که از این بابت مرمون اطلاعات و بیانات دکتر جی هانسمن (Dr. J. Hansman) و استروناخ (D. Stronach) می‌باشیم. هیچ

با توجه به مواد فرهنگی گردآوری شده در این سفر، این ناحیه دست‌کم از اوایل هزاره پنجم ق.م تا کنون مسکونی بوده است. اسکان عمده در طول دوره ساسانی بوده که با اشغال مجدد محوطه‌های کهن و سکونتگاههای جدید - در حدود ۲۵ مکان - انجام گرفته است. دیگر مواد فرهنگی جمع‌آوری شده غالباً مربوط به دوره اسلامی و شامل سفالهای لعابدار رنگارنگ اولیه، مشابه سفالهای نیشابور و ظروف متأخرتر بود.



شکل شماره (۱) - خراسان شمالی و ترکمنستان جنوبی؛ پراکندگی زیستگاهها در دشت درگز

تأثیری که مشخصاً مربوط به نیمه اول هزاره اول ق.م. باشد ثبت نشد. این که آیا این فقدان منعکس کننده کمبود شاخصهای شناسایی ما یا کاهش سکونتگاهها در جلگه در طی این دوره باشد، مسأله‌ای است که منوط به گمانه‌های لایه‌نگاری در محوطه‌هایی است که بقایای آنها، پل ارتباطی به این دوره را به دست می‌دهند.

تنها چهار محوطه دارای مواد (فرهنگی - م) پیش از تاریخ - ۲۸ و ۱۹ و ۱۴ و DG۲ - کشف شد. تعداد اندک این محوطه‌ها، بدون شک به علت بازدید عجولانه ما و نیز احتمالاً پوشیده ماندن محوطه‌های بی‌شماری از افقهای کهنتر، زیر اسکانهای بعدی می‌باشد. باید توجه داشت که این چهار محوطه در بخش وسیعی از دشت پراکنده شده و الگوی استقراری پراکنده‌ای را در طول دوران فرانسنگی و مفرغ‌القاء می‌کند. تعدادی قطعات سفال خشن با ماده چسباننده کاه با خطوط پهن سیاه‌رنگ (نقوش) از DG ۱۹ - یک محوطه کوچک پیش از تاریخی نزدیک چاپشلو در بخش جنوبی یا مرتفع دشت - جمع‌آوری شد. این قطعات یادآور مواد (فرهنگی - م) جیتون ترکمنستان و مشابه ظروف نوسنگی گزارش شده از یاریم تپه - دشت گرگان - می‌باشند. این تپه که به دقت هم نقشه برداری شد؛ ممکن است دارای قدیمترین افق (تمدنی - م) در دشت باشد. این مطلب از این جهت که تلاش و جست‌وجوی ما، هیچ سفال یا اثر معماری در عمق ۲ متری بقایای فرهنگی برش عمودی فرسایش شده شرق تپه به دست نداد، چنین استنباطی را به‌طور جدی تقویت می‌کند. وجود قطعی افق هزاره ششم یا نوسنگی قدیم در دشت درگز تنها می‌تواند با حفارگمانه‌های کرچکی در این محوطه تأیید شود. دو محوطه قره‌خویولو (Kara Khuyulu) DG ۱۴ و نوخندان DG ۲۸ به‌عنوان غربی‌ترین محوطه‌های دارای آثار پیش از تاریخی شناسایی شدند. هر دو مکان دارای مواد (فرهنگی - م) نمازگاه ۲ و ۳ می‌باشند ولی شدیداً آسیب دیده و سوراخ سوراخ شده و با بقایای وسیعی از عهد ساسانی پوشیده شده‌اند.

یاریم تپه، محوطه

عظیم پیش از تاریخی

دشت (شکل شماره ۲) در

۴ کیلومتری شمال غربی

درگز، در کناره راست رود

ارتیان (شاخه بزرگ

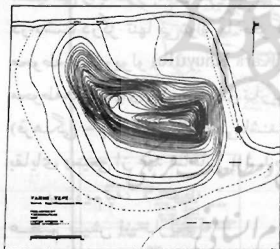
رودخانه درونگر) واقع

است که بیش از ۳۵ متر



شکل (۲) - دورنمای یاریم تپه و تپه دیگری در نزدیکی آن

بالا تر از دشت واقع شده است. بررسی چاههای قنات در قسمت جنوبی محوطه که اکنون زیر کشت رفته است، روشن ساخت که بقایای فرهنگی در این محوطه دست کم تا ۳ متر دیگر ادامه پیدا می کند، یعنی در واقع عمق کلی بقایا به ۴۰ متر می رسد. چنان که از اسم تپه پیداست، تنها یک نیمه آن حدود ۸ هکتار از بقایا را در برمی گیرد و بقیه آن - از کل محدوده یعنی ۱۶ هکتار - یا فرسایش شده و یا این که توسط کشاورزان مورد استفاده قرار گرفته است. این نیمه که اکنون زیر کشت رفته، از شمال و شمال شرقی تپه تا رودخانه و در جنوب آن نیز تا آن سوی شیب نمای جنوبی تپه، ۱۰۰-۱۵۰ متر دیگر را در برمی گیرد (شکل شماره ۳). خود تپه که در محور شمال غربی - جنوب شرقی گسترده شده به صورت بسیار نامطلوبی در طول نمای جنوبی آن، فرسایش یافته است و تقریباً به دو بخش تپه کوتاه تر یا غربی و «دژ» شرقی مرتفع تقسیم می شود. در محل اتصال این دو بخش بعضی جاها کمتر از نیم متر عرض دارد. نمای شمالی خیلی بهتر محفوظ مانده و همان طور که با شیب ملایمی به سمت باغات و رودخانه مشخص می شود، دو سطح وسیع را شکل می دهد.



شکل شماره (۳) - نقشه توپوگرافی
پارچه تپه در دشت در مرکز

قطعات سفال زیادی که از سطح تپه جمع آوری شد تماماً توالی (فرهنگی - م) نمازگاه تپه را نشان می دهد و احتمالاً اسکان کوچکی در دوره ای از زمان هخامنشی تا پارت و ساسانی را نیز شامل می شود. مسأله ماهیت اسکان نهایی محوطه، تنها از طریق حفریات آتی در دژ شرقی، می تواند حل شود. با این وجود روشن است که اسکان عمده تپه مربوط به دوران نوسنگی جدید و مفرغ کهن می باشد

(شکل های ۴ و ۵). سفالهای منقوش نمازگاه ۳ و ۴ به طور پراکنده از دامنه تپه و از نیمه کشت شده تا مرتفع ترین بخش آن، پیدا شدند. بیشتر قطعات سفال جمع آوری شده از این محوطه، دقیقاً اشکال و نقوش ظروف نمازگاه ۴ یافته شده در آق تپه AK-depe، نمازگاه تپه، الغ تپه Ulug-depe و آلتین تپه Altyn-depe و خاپوز تپه Khapuz-depe

را به دست می‌دهند.^۱

این مطلب از نظر شناسایی این «دوره تعیین‌کننده» (The crucial period)، دوره‌ای که شناخت ما از اولین بارقه‌های انقلاب شهرنشینی در ترکمنستان جنوبی به دلیل وجود لایه‌های عمیق و قطوری از افق‌های نمازگاه ۵ و ۶ در محوطه‌های شهرنشینی عمده چون تپه نمازگاه و آلتین تپه، بسیار اندک است، اهمیت زیادی دارد. ما اطلاعات کم و در عین حال با ارزشی از ساختار و طرح شهرهای عصر مفرغ کهن در ترکمنستان جنوبی^۲ و به همان اندازه بینش مختصری دربارهٔ تحولات درونی جوامع در طول قرون تعیین‌کننده - اوایل تا نیمه هزاره سوم ق.م - داریم.^۳ کشف سفالهای زیادی از نوع نمازگاه ۳ در یاریم تپه نیز بسیار اهمیت دارد. به این دلیل که قر تپه که یک محوطه شاخص در اتک مرکزی در طول دوران فرانوسنگی است، در اواخر هزارهٔ چهارم و اوایل هزاره سوم برای همیشه متروک ماند. حفاریات نیز هیچ مدرکی از گذر (The transition) به دورهٔ نمازگاه ۴ به دست نداد. حفاریات آتی بر روی شیب شمالی یاریم تپه، قطعاً می‌تواند کشفیات مهمی از افق‌های نمازگاه ۳ و ۴ ارائه دهد.

سفالهای غیر منقوش نمازگاه ۵ و ۶ نیز از این محوطه به دست آمد و شامل قطعاتی از ساغرهای پایه دار به رنگ روشن و قطعات کوچکی از ظروف خاکستری روشن داغدار - اکثر آکاسه‌های ضخیم با لبه کاملاً برگشته - (inverted rolled rims) دقیقاً

۱- جهت کسب آگاهی اجمالی از عصر مفرغ قدیم در ترکمنستان جنوبی رک.

V. I. sarianidi ... pp. 82-111

۲- همان منبع، ص ۸۴.

۳- این مقاله نمی‌تواند مسائل و ابهامات را با تاریخ‌گذاری مطلق توالی (فرهنگی) نمازگاه برطرف نماید. همین اندازه کفایت می‌کند که بگوییم کشفیات اخیر در ایران و پاکستان که احتمال ارتباط با آثار (مواد فرهنگی) ترکمنستان جنوبی را دارند و نیز بهره‌وری از تاریخ سنجبهای رادیو کربنی، تجدید نظر سعودی یا یک توسعه ۳۰۰ تا ۵۰۰ ساله در تاریخهای مطلق ارائه شده به وسیله ماسون و ساریانیدی در مقاله: "Central Asia: Turkmenia Before the Achaemenids" را می‌طلبید. بنابراین دوره نمازگاه چهار به‌طور نسبی می‌تواند حدود ۲۴۰۰ و ۲۸۰۰ ق.م تاریخ‌گذاری شود. رک.

G. Dales, ... Antiquity XLVII (1973) pp. 43-6.

اصلاح توالی لابه‌نگاری در آلتین تپه نیز این دیدگاه را تأیید کرده است. رک.

V. M. Masson, ... aeneolitha.

همزمان با مجموعه نمازگاه ۶ می باشد.^۱ سبوه‌های ذخیره‌ای ضخیم با خطوط کنده موجی و کاسه‌هایی با نقش کنده عمیق نیز جمع‌آوری شدند. این فرمها، آخرین اسکان تپه در عصر مفرغ جدید را نیز مشخص و به رفع معضلات ما در شناسایی وضعیت استقرارهای متأخرتر یاریم تپه در اواخر هزاره اول قبل از میلاد یا قرون اولیه میلادی کمک می‌کند. کار مشترک ما و دانشگاه تورین (turin) محوطه‌های مرتبط با نمازگاه را، در جنوب کمر بند کوهپایه‌ای کپه داغ در دره‌ها و دشتهای مرتفع ایران به وضوح مشخص می‌کند. این مطلب خود به تنهایی قابل توجه بوده و این نظر را التاء می‌کند که در طول دوران پیش از تاریخی محوطه‌های استقرار ی خراسان شمالی^۲ تأثیر و تأثرات متقابل عمیقی با محوطه‌های شمالی - در ترکمنستان جنوبی - داشته‌اند. انتظار می‌رود تحقیقات آینده در طول کشف رود - متصل به تجن - این نظر را تأیید کند. به عبارت دیگر به طور نسبی دو منطقه کلی فرهنگی قابل ترسیم است که از شمال به جنوب کشیده شده‌اند. اولی با محوطه‌های دشت گرگان و یا تپه حصار و محوطه‌های مرتبط با آنها که از سمت غربی دست‌کم تا نواحی تهران گسترده شده‌اند، پیوند می‌خورد.^۳ این منطقه همچنین شامل

۱- ترجمه مفصلی از مخلص رساله دکتری L.I. Khtopina تحت عنوان Early state ... Tukmenii در منبع فوق‌الذکر ارائه می‌شود. نویسنده ارشد این مقاله از مساعدت khlopina و A. ya. shcheterko به خاطر نشان دادن نمونه‌های مشابه ظروف خاکستری به دست آمده از یاریم تپه که از قسمتهای بالای تپه نمازگاه (یا Vvkshka) پیدا شده بودند صمیمانه سپاسگزاری می‌کند. شکر و سپک هر دو نوع ظروف به راحتی از آنهایی که از فاصله‌ای دورتر در غرب از دشت گرگان یا تپه حصار به دست آمدند، قابل تمیز می‌باشد. با وجود این، معدودی قطعات سفال زاویه‌دار داغدار تیره انتخاب شده از یاریم تپه نمی‌توانند به طور قطعی با مجموعه‌های ظروف خاکستری شمال شرقی ایران یا جنوب مرکزی ترکمنستان ارتباط داده شوند. در این زمینه نمونه‌های دیگری می‌باید جست‌وجو کرد. ۲- B. Spooner, ... Iran III (1965), p.99

دکتر spooner تپه‌ای به نام «تپه پهلوان» (رک. ... Masuda Report of ... منبع فوق‌الذکر ص ۶۶، دارای سفال منقوش فرانسوی‌گزارش می‌دهد که سفالها می‌توانند هزاره چهارم ق. م تاریخ گذاری شوند. مشخص نشده که آیا این ظروف با محوطه‌های (با فرهنگ) نمازگاه و یا با ظروف حصار - سیلک فلات شمالی و مرکزی ایران مرتبطند یا خیر؟ محوطه دیگری، تپه خوران (xuran) واقع در ۱۰ کیلومتری جنوب شاهرود با سفال منقوش پیش از تاریخ به وسیله مسودا (masuda) گزارش شده است. (همان منبع). احتمالاً این ظروف وابستگی و ارتباط بیشتری با یافته‌های حصار دارند.

داغستان باستان، درّه سومبار^۱ و محوطه‌های اتک غربی است که از سمت شرقی تقریباً تا عشق‌آباد را در برمی‌گیرد. دومین منطقه مهم که خود به دو بخش غربی و شرقی می‌تواند تقسیم شود با سرزمینهای پست حاشیه رودهای تجن و مرغاب، کمر بند کوهپایه‌ای حاصلخیز ارتفاعات کپه‌داغ شمالی، دشت درگز، درّه انترک و احتمالاً درّه‌های کشف رود را به هم پیوند و منطقه‌ای کاملاً متأثر از تأثیرات متقابل فرهنگی را شکل می‌دهد. این دورنما، وحدت و وسعت تحولات عصر فرانسونگی و مفرغ خراسان را تأیید می‌کند و نیز این مطلب را القا می‌کند که اسکانهای متأخر دشت با کتری (بلخ) در اوایل هزاره دوم ق.م نباید متأثر از ترکمنستان جنوبی یا مهاجرتی از شمال شرقی ایران تلقی شوند،^۲ چرا که این نواحی در طول هزاره چهارم و سوم ق.م از وحدت و یکپارچگی قابل توجهی برخوردار بوده است.

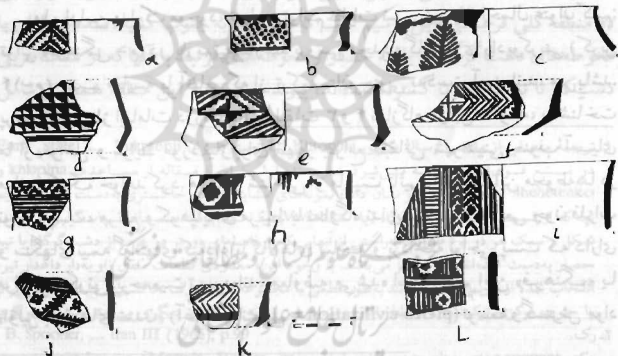
ما بر اساس مدارک موجود، تنها می‌توانیم نظرات نسبی زیر را به اجمال عنوان کنیم: توالی (فرهنگی - م) در یاریم تپه نیازمند بررسی مجدد و گاه‌نگاری رادیوکربنی (کربن ۱۴ - م) جهت مقایسه با آنهایی که از ترکمنستان جنوبی به دست آمده‌اند، می‌باشد. پرده برداشتن از ابهامات دوره انتقالی طبقات ۳ و ۴ نمازگاه در این محوطه، به شناخت ما از «مراحل و شرایط مورد نیاز برای ظهور جوامع طبقاتی شهرنشینی جنوب آسیای میانه، کمک خواهد کرد. ما هنوز شناختی از ماهیت تأثیر و تأثرات این محوطه‌ها در نواحی پست، مرتفع و کوهپایه‌ای مرتبط با نمازگاه نداریم. احتمالاً منابعی چون فلزات و سنگهای نیمه گرانبهای کپه‌داغ با کالاهای ساخته و پرداخته نواحی پست که دارای مراکز مسکونی پرجمعیت‌تر بوده‌اند، معاوضه می‌شده است. سهم این «فرهنگ» یا «اولین بارقه‌های تمدن» (آغاز شهرنشینی = proto-civilization) توسعه و گسترش مواد

۱- در دو سال گذشته، I. N. Khtopin در حال حفاری قبرستان پرخای ۲ (parkai II) مربوط به عصر مفرغ کهن در نزدیکی شهر قرکلا Kara Kala درحاشیه میانی رودخانه سومبار Sumbat بوده است. ظروف خاکستری زاویه‌دار از این قبرستان، مشابه سفالهای کاملاً شناخته شده، به دست آمده از دشت گرگان می‌باشد. رک. «منبع فوق‌الذکر»:

'Mogilnik ... Easrly state Formation ...'

۲- برای مثال مقابله کنید با تفاسیر و تعابیر عسکراف A. A. Askarov Drevnezemel'del, cheskaya ... pp. 145-6

فرهنگی از شمال شرقی افغانستان به سمت غرب و یا وسعت و ماهیت پیوندهای بی چون و چرای آن با تمدن هاراپادیهی درهٔ ایندوس^۱، مسائلی است که هنوز پاسخهای قانع کننده‌ای به آنها داده نشده است. وجود یک منطقه وسیع و مرتفع در ایران با فرهنگ نمازگاه، سؤالات بحث برانگیز زیادی در مطالعات و بررسی تحولات متأخرتر فلات ایران ایجاد می‌کند. گزارش بازدید کوتاه مدت ما از دشت درگر، تنها مقدمه‌ای موجز بر پیش از تاریخ خراسان است که بی شک بحث در خصوص تحول و توسعه جوامع ساکن در این منطقه حاصلخیز و نیز راهبردی نیاز به تحقیقات گسترده تری در آینده دارد.



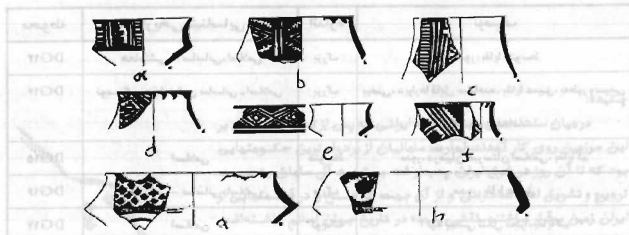
شکل شماره (۴) - سفالهای سطحی یاریم تپه مربوط به نوسنگی جدید و عصر مفرغ کهن (نمازگاه ۳ و ۴) توصیف رنگ نقش قنات سفال: (a) قهوه‌ای مایل به قرمز بر روی خاکستری روشن، قطر ۸ سانتی‌متر. (b) قهوه‌ای تیره بر روی نخودی، قطر ۸ سانتی‌متر. (c) قهوه‌ای تیره روی نخودی، قطر ۱۱ سانتی‌متر (b) سیاه روی لعاب نخودی، قطر ۱۴ سانتی‌متر (i) قهوه‌ای تیره بر روی نخودی، قطر ۲۰ سانتی‌متر (j) قهوه‌ای سیر بر روی لعاب نخودی قهوه‌ای تیره روی لعاب کرم (L) قهوه‌ای مایل به قرمز بر روی نخودی.

۱- رک. A. Ya. shchetenko ... (1970), pp. 59-63

دو مهر یا ویژگیهای خط ایندوسی (Indus) اخیراً از آلتین تپه به دست آمده است.

V. M. Masson, ... (1977), pp. 147-56.

رک.



شکل شماره (۵) - سفالهای مطبوعی عصر مفرغ قدیم (نمازگاه ۴) پاریم‌تیه، توصیف رنگ و نقش قطعات سفال: (a) سیاه بر روی قهوه‌ای روشن، قطر ۸ سانتی‌متر (b) سیاه روی نخودی، قطر ۱۱ سانتی‌متر (c) قهوه‌ای بر روی نخودی، قطر ۱۰ سانتی‌متر (d) قهوه‌ای مایل به قرمز بر روی خاکستری روشن، قطر ۸ سانتی‌متر (e) سیاه بر روی قهوه‌ای روشن، قطر ۷ سانتی‌متر (f) قهوه‌ای بر روی نخودی، قطر ۹ سانتی‌متر (g) سیاه روی لعاب نخودی، قطر ۲۰ سانتی‌متر (h) قهوه‌ای بر روی لعاب نخودی، قطر ۲۱ سانتی‌متر.

محوطه	ادوار تاریخی شناسایی شده	اندازه	توصیف
DG۱	اسلامی	بزرگ	مدور، آتافهای قابل مشاهده کوچک، دارای شیب تند، بقایای عمیق
DG۲	نوسنگی - عصر مفرغ، هخامنشی - ساسانی	بزرگ	هلالی شکل، بقایای عمیق، دارای شیب تند، عدد تأظرف متقوس عصر مفرغ
DG۳	اسلامی	بزرگ	مدور، ظروف لعابدار، بقایای متوسط
DG۴	هخامنشی - ساسانی	کوچک	مدور، با شیب ملایم، بقایای کم
DG۵	هخامنشی - ساسانی	متوسط	مدور، با شیب ملایم، بقایای متوسط
DG۶	اسلامی	متوسط	تیه باریک کم ارتفاع، بقایای کم
DG۷	هخامنشی - ساسانی، اسلامی	متوسط	مدور، با شیب ملایم، بقایای متوسط
DG۸	هخامنشی - ساسانی، اسلامی	متوسط	مدور، با بقایای متوسط
DG۹	هخامنشی - ساسانی، اسلامی	متوسط	بیضی، بقایای کم
DG۱۰	اسلامی	متوسط	مدور، با شیب ملایم، بقایای کم
DG۱۱	هخامنشی - ساسانی	بزرگ	مدور، بقایای متوسط
DG۱۲	هخامنشی - ساسانی، اسلامی	بزرگ	مدور، بقایای متوسط

محوطه	ادوار تاریخی شناسایی شده	اندازه	توصیف
DG۱۳	هخامنشی - ساسانی، اسلامی	بزرگ	مدور. بقایا متوسط
DG۱۴	نوسنگی، هخامنشی ساسانی - اسلامی	بزرگ	بیضی، دیوارها قابل مشاهده. بقایا عمیق، به‌طور وسیعی آسیب دیده است.
DG۱۵	اسلامی	متوسط	مدور، درمیان قبرستان اسلامی، بقایا کم
DG۱۶	هخامنشی - ساسانی، اسلامی	بزرگ	مدور، بقایا عمیق
DG۱۷	اسلامی	کوچک	۴ تپه بیضی شکلی مجزا، بقایا کم
DG۱۸	هخامنشی - ساسانی	متوسط	مدور، بقایا کم
DG۱۹	نوسنگی - عصر مفرغ	متوسط	مدور، به‌طور وسیعی آسیب دیده است، بقایا متوسط، شدیداً فرسایش و تعریب شده
DG۲۰	اسلامی	متوسط	مدور، درحال حاضر هم مسکونی، بقایا متوسط، فرسایش یافته
DG۲۱	اسلامی	کوچک	مدور، شدیداً آسیب دیده و فرسایش یافته
DG۲۲	هخامنشی - ساسانی	بزرگ	مدور، بالای تپه مسطح، بقایا عمیق
DG۲۳	اسلامی	کوچک	۲ تپه مدور، با شیب ملایم. تپه غربی قبرستان
DG۲۴	اسلامی	بزرگ	۲ تپه مدور، بقایا عمیق، با شیب تند.
DG۲۵	اسلامی	بزرگ	مدور، به‌طور وسیعی آسیب دیده، بقایا کم
DG۲۶	هخامنشی - ساسانی	متوسط	مدور، به‌طور وسیعی آسیب دیده، دیوارها قابل مشاهده
DG۲۷	هخامنشی - ساسانی	بزرگ	مدور، بقایا متوسط، مجاور بستر خشک شده رودخانه
DG۲۸	عصر مفرغ - هخامنشی ساسانی، اسلامی	بزرگ	مدور، دیوارها قابل مشاهده با شیب تند، بقایا عمیق
DG۲۹	اسلامی	متوسط	مدور، بالای تپه مسطح، با شیب تند، بقایا متوسط
DG۳۰	هخامنشی - ساسانی، اسلامی	متوسط	بیضی، مجاور یانمانهای اسلامی، بقایا کم
DG۳۱	هخامنشی - ساسانی، اسلامی	متوسط	مدور، بقایا متوسط، با شیب تند

اندازه‌ها: - کوچک = کمتر از ۲۰۰ متر مربع
 متوسط = کمتر از ۶۰۰ متر مربع
 بزرگ = بیشتر از ۶۰۰ متر مربع